آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۴۳۶
دوشنبه
۱۴۰۵•۰۵•۰۵
۱۲صفر۱۴۴۸ / ۲۷ جولای۲۰۲۶

گـــزارش

تورم مشکل اصلی اقتصاد ایران

یک کارشناس اقتصادی تورم را مشکل اصلی اقتصاد ایران دانست و با تاکید بر اینکه باید مهار آن در اولویت باشد گفت: تا زمانی که تورم مهار نشود، امکان بازسازی قدرت خرید مردم و ایجاد ثبات اقتصادی فراهم نمی شود. شاهین شایان آرانی در گفت وگو با ایرنا درباره محورهای سیاستی اخیر بانک مرکزی برای مدیریت فضای اقتصاد کلان کشور بخصوص مهار تورم اظهار داشت: اگر این محورها به عنوان سیاست های اقتصادی دولت در نظر گرفته شوند، در مجموع سیاست های مناسبی هستند و در درستی آنها تردیدی وجود ندارد، اما مشکل اصلی اقتصاد ایران طی چهار دهه گذشته، صرفاً طراحی سیاست ها نبوده، بلکه ناتوانی در اجرای آنهاست.

وی افزود: یک زمان سیاستی روی کاغذ طراحی می شود و می توان درباره درستی یا نادرستی آن قضاوت کرد، اما مرحله مهم تر، اجرای آن، مهندسی فرآیندها، پیگیری، تداوم و مشاهده آثار آن در زندگی مردم، بخش تولید، تجارت و اقتصاد کشور است.

این کارشناس اقتصادی با تاکید بر اینکه برنامه های اقتصادی به طور معمول در حوزه اجرا با مشکل روبرو می شوند، اجرای سیاست های پولی در شرایط کنونی کشور و تداوم وضعیت جنگی را دشوار توصیف کرد و اظهار داشت: یکی از مشکلات اصلی اقتصاد، رشد ناترازی در نظام بانکی است که تبعات آن به بخش های دیگر اقتصاد نیز سرایت کرده است.

آیا سیاست های انقباضی

شایان آرانی درباره اثر سیاست های انقباضی در حوزه پولی برای مهار تورم اظهار داشت: دولت می تواند از طریق کنترل اعتبارات، مدیریت تسهیلات بانکی و تعیین تکالیف برای بانک ها، با این ناترازی مقابله کند اما نباید فراموش کرد که این نوع سیاست ها ماهیتی انقباضی دارند و می توانند آثار رکودی نیز به همراه داشته باشند.

وی یادآور شد: در شرایط کنونی که اقتصاد کشور به پیامدهای جنگ تحمیلی و همچنین تحریم ها و محاصره های دریایی با مشکل رکود مواجه است، باید مراقب بود که اجرای سیاست های انقباضی به تشدید رکود منجر نشود.

وی در عین حال اعمال این سیاست ها برای کنترل تورم و کاهش آسیب های ناشی از ناترازی های بانکی را اقدامی درست دانست و بر اجرای آن تاکید کرد.

این کارشناس اقتصادی یکی از راهکارها برای بهبود شرایط اقتصادی را برخورد با بانک های ناسالم دانست و گفت: این موضوع یکی از سیاست های اصلی بانک مرکزی است تا دارایی های سمی و مطالبات بحران زده نظام بانکی تعیین تکلیف شود.

شایان آرانی خواستار آن شد که بانک مرکزی از ابزارها و اختیارات لازم برای اصلاحات ضروری در نظام بانکی برخوردار باشد تا بانک های ناسالم نتوانند با استفاده از نفوذ سهامداران عمده و یا مدیران خود، در برابر این اصلاحات ایستادگی کنند.

سودآوری بنگاهها

این کارشناس اقتصادی درباره تأمین سرمایه در گردش بنگاه های مولد، اظهار داشت: این سیاست در ذات خود بسیار مناسب است؛ اگر بانک ها تشویق شوند منابع کوتاه مدت مورد نیاز واحدهای تولیدی را تأمین کنند، اقدام مثبتی خواهد بود اما سؤال اساسی این است که در شرایط فعلی اقتصاد، چه تعداد از بنگاه ها امکان فعالیت اقتصادی سودآور دارند.

شایان آرانی تاکید کرد: در فضایی که اقتصاد با تورم شدید، بی ثباتی و نااطمینانی روبه روست، اثربخشی این سیاست محل بحث است و باید درباره آن بررسی های فنی و دقیق صورت گیرد.

وی سیاست های شش گانه بانک مرکزی برای اصلاحات اقتصادی، کاهش تورم و تقویت ذخایر ارزی کشور را قابل دفاع دانست و یادآور شد: در شرایط فعلی اقتصاد ایران که فضای کسب وکار با تحریم، جنگ و نااطمینانی روبه روست، باید مشخص شود هر سیاست در چه بازه زمانی، با چه اولویتی و توسط چه دستگاهی اجرا خواهد شد.

وی یادآور شد: تجربه نشان داده است که اغلب برنامه های دولت ها در مرحله اجرا با مشکل مواجه شده اند؛ نبود ثبات در سیاست گذاری، تغییر مداوم رویکردها و اکنون نیز فشار ناشی از تحریم ها و جنگ، اجرای هر برنامه ای را با اختلال و تنش روبه رو می کند.

دو مانع در مسیر جذب سرمایه

شایان آرانی در پاسخ به اینکه مهمترین مانع سرمایه گذاری در ایران چیست، اظهار کرد: اقتصاد ایران از نبود یک اکوسیستم سالم، باثبات و متعادل اقتصادی رخ می برد و بیش از اندازه تحت تاثیر تحولات سیاسی قرار دارد.

این کارشناس اقتصادی خواستار توجه بیشتر سیاست گذاران به رونق اقتصاد، افزایش سرمایه گذاری و رشد تولید شد و افزود: زمانی که سیاست های اقتصادی و قوانین همگی در جهت حمایت از سرمایه گذاری طراحی شوند، سرمایه گذار داخلی و خارجی نیز انگیزه بیشتری برای ورود به اقتصاد خواهد داشت.

شایان آرانی دومین مانع مهم سرمایه گذاری را دولتی بودن اقتصاد ایران دانست و بر حضور گسترده تر بخش خصوصی در اقتصاد تاکید کرد و گفت: اگر سهم بخش خصوصی در اقتصاد بیشتر شود، امکان جذب سرمایه خارجی نیز فراهم می شود.

این کارشناس اقتصادی درباره مهم ترین اولویت برای بازسازی قدرت خرید مردم نیز گفت: بدون تردید تورم بحران اصلی اقتصاد ایران است و باید مهار آن در اولویت باشد زیرا تا زمانی که تورم مهار نشود، امکان بازسازی قدرت خرید مردم و ایجاد ثبات اقتصادی فراهم نمی شود.

شایان آرانی در پاسخ به اینکه آیا با شرایط فعلی مهار تورم امکان پذیر است، گفت: این کار بسیار دشوار است و به مدیریتی توانمند و اراده ای جدی نیاز دارد اما با وجود همه مشکلات، می توان در این مسیر موفق شد.

«آرمان ملی» همزمان با صدور حکم برای ۱۵ تراستی فراری گزارش می دهد

رانت سازی تحریم ها برای تراستی ها؟

آرمان ملی- صدیقه بهزادپور: همزمان با تشدید فشارهای اقتصادی و محدودیت های ارزی، اظهارات اخیر دادستان تهران درباره تشکیل ده ها پرونده برای مدیران شرکت های تراستی، بازداشت شماری از متهمان و صدور اعلان قرمز برای تعدادی از افراد متواری، فقط یک خبر قضایی نیست، بلکه حاکی از این است که هرجا اقتصاد ناچار می شود از مسیرهای غیرشفاف و غیرمتعارف برای تأمین منافع حیاتی خود عبور کند، همان مسیرها به تدریج به بستر تولید رانت، انباشت قدرت پنهان و در نهایت فرار از پاسخگویی تبدیل می شوند. به گفته کارشناسان تراستی ها در ایران محصول مستقیم شرایط تحریمی هستند که وقتی امکان فروش عادی نفت، انتقال رسمی پول و دسترسی به شبکه بانکی جهانی محدود می شود، ساختار تصمیم گیری ناچار به استفاده از واسطه هایی می شود که بتوانند در کشورهای ثالث، با حساب ها و هویت های واسط، منابع حاصل از صادرات را جابه جا کنند. این سازوکار در ظاهر برای حفظ جریان درآمدهای ارزی طراحی شده، اما در عمل هرچه گسترده تر شده، نظارت بر آن دشوارتر و هزینه های پنهانش سنگین تر شده است.

معمای تراستی ها

به گزارش «آرمان ملی»، تراستی ها در سال های تحریم، در قالب شبکه ای از افراد و شرکت ها که مدت ها به عنوان بازوی غیررسمی نقل وانتقال منابع ارزی و فروش نفت عمل کرده اند، اکنون خود به یکی از کانون های ابهام، فساد و پرسش درباره مسئولیت پذیری تبدیل شده اند. هرچند مسأله اصلی فقط این نیست که عده ای متهم به تخلف یا فرار شده اند، بلکه مسئله مهم تر آن است که اساساً چنین شبکه ای چگونه شکل گرفته، با چه سازوکار تضمینی فعالیت کرده و چرا در نقطه ای که باید منافع عمومی حفظ می شد، امکان آسیب به ثروت ملی فراهم شده است و به این ترتیب پرونده تراستی ها از یک موضوع حقوقی صرف خارج می شود و به مسأله ای در سطح حکمرانی اقتصادی ارتقا می یابد. اگر گروهی با عنوان افراد مورد اعتماد، مسئول جابه جایی منابع حساس کشور بوده اند، طبیعی است که افکار عمومی بپرسد این اعتماد بر چه مبنایی شکل گرفته، چه نهادی اعتبارسنجی کرده، چه تضامین اجرایی گرفته شده و در صورت بروز تخلف، مسئول پاسخگویی نهایی کدام دستگاه است. در این میان، اختلاف روایت ها درباره متولی اصلی نیز خود نشانه ای از همان ابهام ساختاری است. از یک سو در افکار عمومی، نام وزارت نفت به عنوان نهاد مرتبط با فروش نفت مطرح می شود و از سوی دیگر، بر پایه برخی اظهارات رسمی، مسئولیت وصول ارز و تعیین مسیرهای مالی به بانک مرکزی نسبت داده می شود. همین تفکیک اگرچه از نظر اداری ممکن است قابل توضیح باشد، اما در حقیقت این رویکرد در نهایت یک خروجی بیشتر ندارد که آن هم اینکه؛ در فرآیندی که پول نفت در آن جابه جا می شود، مسئولیت ها چنان توزیع شده که در زمان بحران، پاسخگویی شفاف دشوار می شود، به عبارتی مرز میان فروش، دریافت پول، نظارت بر واسطه و تضمین بازگشت ارز، آن قدر روشن و علنی نیست که جامعه بتواند تشخیص دهد مسئول مستقیم کجاست، اما در نهایت ضرر و زیان متوجه کشور و مردم می شود. قطعاً در این بین تراستی ها فقط در معرض اتهام فساد نیستند، حتی در حالتی که تخلفی هم رخ ندهد، اصل فعالیت آنان به دلیل کارمزدهای سنگین، تخفیف های ناگزیر، تأخیر در انتقال ارز و رسوب منابع در حساب های واسطه، به معنای تحمیل هزینه به اقتصاد ملی است. در واقع بخشی از درآمد نفتی پیش از آنکه به چرخه رسمی اقتصاد کشور بازگردد، در مسیر دور زدن تحریم ها مستهلک می شود که بسیاری از کارشناسان و دلسوزان جامعه درباره این نشتی مزمن هشدار داده بودند اما هیچ گاه تصویر دقیق، رسمی و قابل راستی آزمایی از ابعاد آن در اختیار جامعه قرار نگرفته است.

معضل انتقال ارز

از سوی دیگر، با توجه به شرایط کنونی و حتی گذشته با وجود تحریم ها و... که اقتصاد ایران با کمبود منابع ارزی، نوسان بازار و فشارهای معیشتی همزمان روبه روست، قطعاً هر اختلال در بازگشت درآمدهای نفتی فقط یک مسئله حسابداری نیست، بلکه می تواند به بی ثباتی در بازار ارز، افزایش انتظارات تورمی و تشدید فشار بر معیشت خانوارها منجر شود. به بیان دیگر، پرونده تراستی ها فقط درباره چند متهم یا چند شرکت نیست، بلکه درباره نقش موثر تحریم، فساد، ناکارآمدی و آسیب پذیری اقتصاد ایران مرتبط است و در این بین آنچه اکنون بیش از هر چیز ضرورت دارد، علاوه بر برخورد قضایی با افراد متهم، روشن شدن معماری نهادی این فرآیند است، چرا که افکار عمومی می خواهند بدانند که تراستی ها دقیقاً چگونه انتخاب می شوند، چه دستگاهی عملکرد آنان را رصد می کند، تضامین بازگشت منابع چیست، مسئولیت هر بخش از زنجیره فروش تا وصول ارز بر عهده کدام نهاد است و چرا با وجود تجربه های پیشین، همچنان امکان تکرار چنین بحران هایی وجود دارد. بدون این شفاف سازی، هر پرونده تازه فقط به فهرست پرونده های فساد اقتصادی افزوده می شود، بی آنکه ریشه های ساختاری آن اصلاح شود.

تحریم ها و تراستی ها

کامران ندری، کارشناس اقتصادی، در گفت وگویی با «آرمان ملی»، در این باره، گفت: تراستی ها محصول مستقیم شرایط تحریمی هستند و استفاده از این واسطه ها، انتخابی نیست که در شرایط عادی اقتصادی به آن متوسل شوند، بلکه پاسخی است به محدودیت هایی که مسیرهای رسمی مالی و بانکی را مسدود کرده است. وقتی کشوری برای دور زدن تحریم ها ناچار می شود از کانال های غیررسمی استفاده کند، ناگزیر باید هزینه های آن را هم بپذیرد. او تصریح کرد: این هزینه ها فقط مالی نیستند، بلکه به شکل کاهش شفافیت، افزایش ریسک فساد، از دست رفتن نظارت مؤثر و حتی تضعیف سرمایه اجتماعی نیز خود را نشان می دهند. ندری در بخش دیگری از سخنانش بر این نکته تأکید کرد که تراستی ها معمولاً بر پایه اعتماد انتخاب می شوند و همین اتکا به اعتماد، نقطه آسیب پذیر این سازوکار است. زمانی که فروش نفت یا انتقال ارز از مسیرهای معمول و رسمی ممکن نباشد، دولت یا نهادهای مسئول ناچار می شوند به شبکه هایی تکیه کنند که خارج از ساختارهای متعارف عمل می کنند، اما همین بیرون بودن از مسیر رسمی، امکان نظارت دقیق را به شدت محدود می کند. او گفت: در چنین روندی، این کار هم هزینه هایتان را افزایش می دهد و هم باید مخفی باشد و همین مخفی بودن است که زمینه سوءاستفاده و فساد را فراهم می کند. هرجا کانال های رسمی کنار گذاشته شوند، احتمال بروز تخلف بالا می رود، حتی اگر اصل هدف، یعنی دور زدن تحریم ها، در ظاهر موجه باشد. این کارشناس اقتصادی با اشاره به پرونده های اخیر و خبرهای مربوط به فرار یا تخلف برخی از فعالان این حوزه، مسأله را فراتر از چند فرد یا شرکت دانست و تاکید کرد: این مسأله به سطح تصمیم گیری کلان کشور پیوند خورده است، اگر سازوکار انتخاب و تأیید این افراد یا مجموعه ها در نهادهای بالادستی انجام شده باشد، مسئولیت نهایی نیز نمی تواند از همان نهادها جدا باشد. در این زمینه به طور مشخص شورای عالی امنیت ملی را مسئول این رویکرد است و گفته می شود یکی از نهادهای بالادستی امنیتی صلاحیت تراستی ها را بررسی و تأیید کرده است؛ بنابراین اگر در این میان تخلفی رخ داده یا منابعی از دست رفته، مرجع پاسخ گویی باید همان جا باشد، یعنی در پرونده تراستی ها، مسئله فقط تخلف مالی نیست، بلکه موضوع اصلی به مرزبندی مسئولیت میان نهادهای تصمیم گیر بازمی گردد.

شکل گیری تراستی ها

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: ساختار تحریم اقتصاد ایران را وارد چرخه ای کرده که در آن ناچار به پذیرش هزینه های پنهان و آشکار شده است. تحریم ها، جنگ، خرابی های ناشی از درگیری، تضعیف نهادهای اقتصادی و روی گردانی متخصصان و کارشناسان خبره به عنوان بخشی از این هزینه ها به شمار می آیند. علاوه بر این زیان مالی، بخشی از سرمایه اجتماعی کشور و اعتماد ملی نیز در این مسیر از بین رفته است. استمرار این وضعیت در یک دهه گذشته، اقتصاد ایران را به جای حرکت رو به جلو، در وضعیت درجا زدن قرار داده و دامنه آسیب ها را گسترش داده است. ندری همچنین به اختلاف دیدگاه درباره ضرورت وجود تراستی ها در شرایط کنونی گفت: از نگاه حاکمیت، این هزینه ها در ازای تأمین امنیت پرداخت می شود و در نتیجه قابل قبول تلقی می گردد، اما بسیاری از کارشناسان و متخصصان چنین برداشتی را نمی پذیرند و معتقدند هزینه ای که بر اقتصاد، جامعه و نهادهای کشور تحمیل می شود، بیش از آن است که بتوان آن را بدون تردید توجیه کرد، این شکاف در تحلیل، خود یکی از دلایل استمرار بحران است، چراکه تا زمانی که درباره اصل هزینه و فایده این مسیر اجماع وجود نداشته باشد، اصلاح سازوکارهای آن نیز دشوار خواهد بود. ندری در پاسخ به این سوال که آیا می توان تراستی ها را در مسیر کنترل شده استفاده کرد، گفت: هر نوع استفاده از کانال های غیررسمی، ذاتاً هزینه زا است و چون باید مخفی بماند، کنترل کامل آن تقریباً ناممکن می شود. در حقیقت مشکل، فقط ضعف در اجرا نیست، بلکه خودِ ماهیتِ سازوکار غیرشفاف، نظارت پذیری را کاهش می دهد. بنابراین حتی اگر در سطح مدیریت یا سیاست گذاری، قصد اصلاح وجود داشته باشد، مادامی که مسیر اصلی بر پنهان کاری بنا شده باشد، ریسک تکرار تخلف و سوءاستفاده همچنان باقی می ماند.

بازگشت به دیپلماسی مطلوب

این تحلیلگر اقتصادی با تاکید بر اینکه قطعاً دیپلماسی مطلوب می تواند مانع از شکل گیری تراستی ها و حذف تحریم ها شود گفت: اگر دیپلماسی کشور قوی و مؤثر بود، اساساً نباید اقتصاد به این نقطه می رسید. از دید او، کاهش تنش های خارجی و حرکت به سوی حل وفصل سیاسی اختلافات، می تواند هزینه های تحریم را کم کند و نیاز به اتکا به واسطه های غیررسمی را کاهش دهد. به بیان دیگر، ندری تراستی ها را نه راه حل، بلکه نشانه ای از ناتوانی در دسترسی به مسیرهای عادی می داند؛ مسیری که اگر سیاست خارجی و دیپلماسی در وضعیت بهتری قرار داشت، شاید اساساً شکل نمی گرفت یا دست کم تا این اندازه گسترده نمی شد. او توضیح داد: تراستی ها در اقتصاد ایران، بیش از آنکه یک ابزار فنی برای انتقال پول باشند، نشانه ای از یک وضعیت مزمن هستند؛ که در آن تحریم، محدودیت، پنهان کاری، رانت، ضعف نظارت و ابهام در پاسخگویی به هم گره خورده اند، پرونده های اخیر، اگرچه از نظر قضایی اهمیت دارند، اما مسأله اصلی را حل نمی کنند مگر آنکه به پرسش های بنیادی تری پاسخ داده شود که چه نهادی این شبکه ها را انتخاب و تأیید کرده، چه سازوکاری بر عملکرد آنها نظارت داشته، چه میزان از منابع کشور در این فرآیند آسیب دیده و چرا با وجود تجربه های تکراری، همچنان امکان بازتولید این بحران وجود دارد.

مطالبه عمومی

این گزارش اضافه می کند که به این ترتیب، ماجرای تراستی ها فقط روایت چند متهم فراری یا چند پرونده قضایی نیست؛ این ماجرا تصویری از اقتصاد تحریمی ایران است که در آن، راه حل های اضطراری به تدریج خود به مسئله تبدیل می شوند. تا زمانی که این چرخه شکسته نشود، هر خبر تازه ای درباره فرار، تخلف یا فساد در این حوزه، صرفاً یک نشانه دیگر از ادامه همان ساختار پرهزینه و کم شفاف خواهد بود. پرونده تراستی ها در نهایت یک هشدار جدی برای سیاست گذار ایرانی است؛ هشدار از این جهت که اقتصاد تحریمی، اگرچه ممکن است راه حل های موقت برای بقا تولید کند، اما همان راه حل ها در نبود نظارت و شفافیت، خود به تهدیدی علیه منافع عمومی تبدیل می شوند. اکنون جامعه بیش از هر زمان دیگری منتظر پاسخ روشن به این پرسش است که در سازوکاری که قرار بود راه نجات درآمدهای نفتی باشد، چه کسانی ناظر بودند، چه کسانی تصمیم گرفتند و چه کسانی باید پاسخگو باشند.

سخنگوی شرکت آب و فاضلاب کشور:

جیره بندی آب در دستور کار نیست

سخنگوی شرکت آب و فاضلاب کشور با بیان اینکه در حال حاضر ۶۳ درصد مخازن سدهای کشور پر است، گفت: اگرچه میزان بارندگی ها نسبت به سال گذشته افزایش قابل توجهی داشته، اما به دلیل توزیع نامتوازن بارش ها، برخی کلان شهرها از جمله تهران، مشهد و اراک همچنان با کمبود منابع آبی و تنش آبی مواجهند. علی سیدزاده - سخنگوی شرکت آب و فاضلاب کشور - در گفت وگو با ایسنا، درباره آخرین وضعیت منابع آبی کشور اظهار کرد: اگر بخواهیم آماری از وضعیت بارندگی کشور ارائه دهیم، تا تاریخ دوم مردادماه، میانگین بارندگی در کشور به حدود ۲۳۱ میلی متر رسیده است. این در حالی است که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۱۳۲ میلی متر بود و سال گذشته یکی از کم بارش ترین سال های کشور به شمار می رفت؛ بنابراین امسال نسبت به سال گذشته افزایش قابل توجهی در میزان بارندگی ها داشته ایم. وی افزود: البته این افزایش بارندگی در همه استان ها به صورت یکنواخت نبوده است. استان های شمالی، شمال غربی و غرب کشور وضعیت بارندگی مناسبی داشته اند، اما در استان های جنوبی، مرکزی، شرقی و جنوب شرقی شرایط مطلوب نبوده و همچنان در برخی کلان شهرها از جمله تهران، مشهد و اراک با کمبود منابع آبی مواجه هستیم. سخنگوی شرکت آب و فاضلاب کشور با اشاره به وضعیت ذخایر سدها گفت: روان آب های ناشی از بارندگی وارد مخازن سدها می شود و منابع آب سطحی را تأمین می کند. در حال حاضر حدود ۶۳ درصد حجم مخازن سدهای کشور پر است و حجم آب موجود در مخازن به حدود ۳۲ میلیارد مترمکعب می رسد. سیدزاده ادامه داد: اگرچه این وضعیت نسبت به سال گذشته بهتر شده، اما در برخی استان ها از جمله سد دوستی و سد طرق در خراسان رضوی و سد ساوه در استان مرکزی، میزان ذخیره مخازن نسبت به متوسط ۱۰ ساله کاهش داشته و همچنان ذخایر این سدها شرایط مطلوبی ندارند. در مجموع شرایط منابع آبی کشور نسبت به سال گذشته بهتر است، اما به دلیل اینکه پراکنش بارندگی ها یکنواخت نبوده، در برخی استان ها و کلان شهرها همچنان مدیریت مصرف آب یک ضرورت جدی است. وی درباره احتمال جیره بندی یا نوبت بندی آب در شهرهای دارای تنش آبی اظهار کرد: خط قرمز وزارت نیرو جیره بندی آب است و به هیچ عنوان نوبت بندی برنامه ریزی شده آب در دستور کار قرار ندارد.

سیدزاده افزود: در برخی شهرها و در زمان اوج گرما که مصرف آب افزایش پیدا می کند، تلاش می کنیم با مدیریت و کاهش فشار آب در شبکه، مخازن را در وضعیت پایدار نگه داریم تا حداقل طبقات نخست ساختمان ها با مشکل تأمین آب مواجه نشوند.

بازار سرمایه

۳ بازگشت بورس به مدار صعود

یک کارشناس بازار سرمایه با اشاره به بازگشت تقاضا و سبزپوشی گسترده بورس در روزهای اخیر، گفت: بازار سرمایه پس از پشت سرگذاشتن دوره ای از نوسانات منفی، تحت تأثیر کاهش ریسک های ژئوپلیتیکی، افزایش نرخ ارز در مرکز مبادله و انتشار گزارش های مالی مطلوب شرکت ها، بار دیگر با ورود نقدینگی و رشد شاخص ها مواجه شده است.

سهیلا نقی پور در گفت وگو با ایسنا، اظهار کرد: بازار سرمایه کشور در دو روز اخیر، پس از پشت سرگذاشتن دوره ای از نوسانات منفی و افت نسبی شاخص ها، شاهد بازگشت محسوس تقاضا و سبزپوشی گسترده در بیشتر نمادهای معاملاتی بوده است. این تحول مثبت که با رشد شاخص های اصلی و ورود دوباره نقدینگی همراه شده، عمدتاً ناشی از سه عامل بنیادین در سطوح کلان سیاسی و اقتصادی ارزیابی می شود.

وی گفت: بر اساس آمار معاملات روز شنبه، سوم مردادماه، شاخص کل بورس تهران با رشد ۰.۲۱ درصدی به سطح چهار میلیون و ۸۹۴ هزار واحد رسید و بخش قابل توجهی از افت های دو هفته اخیر را جبران کرد. در این روز، ۶۶ درصد از نمادهای معاملاتی با افزایش قیمت به کار خود پایان دادند که نشان می دهد این رشد، محدود به چند سهم شاخص ساز نبوده و به صورت گسترده در سراسر بازار رخ داده است. ارزش معاملات خرد بازار نیز به ۲۳ هزار میلیارد تومان رسید و ورود ۲۶۶ میلیارد تومان پول حقیقی به بازار، نشانه ای از بازگشت تدریجی اعتماد سرمایه گذاران به شمار می رود.

نقی پور افزود: نخستین و شاید اثرگذارترین عامل این بازگشت، کاهش تنش های نظامی و فروکش کردن نسبی ریسک های ژئوپلیتیکی در جنوب کشور بوده است. با توقف موقت عملیات نظامی در منطقه و نبود گزارش هایی از حملات جدید، نگرانی سرمایه گذاران نسبت به تشدید درگیری ها به طور محسوسی کاهش یافته است. پیش از این، بازار سهام حساسیت بالایی نسبت به اخبار سیاسی نشان می داد و هرگونه تنش نظامی، به ویژه در منطقه راهبردی تنگه هرمز، می توانست به افت شدید و ناگهانی شاخص ها منجر شود. از این رو، توقف تنش ها در مقطع کنونی، فضای معاملاتی را برای بازیابی بخشی از ارزش از دست رفته فراهم کرده و جان تازه ای به بازار بخشیده است. هرچند این آرامش موقتی ارزیابی می شود، اما در کوتاه مدت توانسته است بخشی از ریسک سیستماتیک را از بازار بکاهد.

افزایش نرخ ارز

این کارشناس بازار سرمایه ادامه داد: دومین عامل کلیدی که در روزهای اخیر مورد توجه فعالان بازار قرار گرفته، افزایش نرخ ارز در مرکز مبادله ایران است. بانک مرکزی در روزهای گذشته نرخ رسمی ۴۶ ارز را افزایش داد که در این میان، ارزش دلار آمریکا نیز با رشد قابل توجهی همراه بود. این افزایش نرخ ارز که یکی از متغیرهای اثرگذار بر سودآوری شرکت های صادرات محور و همچنین ارزش گذاری دوباره دارایی های شرکت های بورسی به شمار می رود، انگیزه مضاعفی برای خرید سهام ایجاد کرده است. هم زمانی رشد بورس با افزایش نرخ ارز، از تغییر موقت جریان نقدینگی میان بازارهای دارایی حکایت دارد. سرمایه گذاران با پیش بینی افزایش درآمدهای ریالی شرکت های صادراتی، استقبال گسترده ای از سهام این گروه ها کرده اند که همین موضوع، عاملی تعیین کننده در رشد شاخص ها بوده است.

انتشار گزارش های مالی مطلوب

وی افزود: سومین عامل مهم در احیای بازار سرمایه، انتشار گزارش های مالی مطلوب از عملکرد بسیاری از شرکت های بورسی است. با پایان فصل گزارش دهی سه ماهه نخست سال مالی، بسیاری از شرکت های پذیرفته شده در بورس از رشد سودآوری و عملکرد قابل قبول خود خبر داده اند. این گزارش های مثبت که عمدتاً ناشی از افزایش قیمت های جهانی کالاهای پایه، رشد فروش شرکت های کوچک و متوسط و همچنین مدیریت کارآمدتر هزینه ها بوده است، توانسته توجه خریداران حقیقی و حقوقی را به سمت این نمادها جلب کند. در هفته گذشته، ۳۲ گروه صنعتی بورسی با ورود نقدینگی، عملکرد مثبتی را به ثبت رساندند که نشان دهنده جذابیت ذاتی سهام شرکت های برخوردار از بنیاد قوی و بنیه مالی مستحکم است و این موضوع، به بازگشت اعتماد سرمایه گذاران کمک کرده است.

این کارشناس بازار سرمایه در پایان گفت: با وجود سه عامل مثبت یادشده که در مجموع توانستند بازار را از رکود نسبی خارج کنند، تداوم این روند صعودی، منوط به استمرار ثبات سیاسی، ادامه ورود نقدینگی حقیقی و حفظ حجم معاملات در سطح مطلوب است. اگرچه بازگشت خریداران به بازار، نویدبخش روزهای روشن تر است، اما سرمایه گذاران همچنان تحولات اقتصادی و سیاسی را با دقت رصد می کنند و هرگونه تحول یا خبر جدید می تواند مسیر بازار را تغییر دهد.